

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دوازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۴۰۰

صفحات ۹۳-۸۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

بررسی کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی

علی غلامی فیروزجائی*
نازنین قاسمی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی می باشد. جامعه مورد مطالعه شامل کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی طی سال های ۱۳۲-۳۳۴ هجری قمری بود. نمونه پژوهش مهم ترین کارکردهای زنان دربار عباسی هم چون کنیزان، مادران خلفا و سرایندگان بود. طرح پژوهش توصیفی-تحلیلی است. برای به دست آوردن اطلاعات از روش کتابخانه ای و با مراجعه به کتاب ها و مدارک علمی انجام شد. داده های موثق و مرتبط با موضوع مورد مطالعه با در نظر داشتن گفتمان حاکم بر عصر وقوع حوادث با استفاده از روش تحلیلی صورت گرفت. نتایج نشان داد، در سرزمین های اسلامی به ویژه از عهد عباسیان، جوامع به گروه ها و طبقات گوناگون تقسیم می شدند که هر یک از آن ها از جمله زنان از جایگاه نسبتاً مهمی برخوردار بودند. از بررسی و مطالعه اولیه منابع چنین بر می آید که بعضی از مادران و همسران خلفای عباسی با نفوذ و قدرت سیاسی و اقتصادی خود در صحنه های سیاسی گاه با بروز احساسات، حسادت های زنانه، افزون طلبی و گاه با به کار بستن عقل و منطق در سرنوشت جانشینی خلافت، خاندان های قدرتمند سیاسی و جنگ ها تغییراتی ایجاد کردند و در توطئه های سیاسی نیز نقش داشتند. بعضی از زنان عباسی نیز از موقعیت درباری و مکتب خود در زمینه عمران، آبادانی و فعالیت در امور خیریه سود جستند و برخی نیز در عرصه فرهنگی با سرودن اشعاری غنی اقدام می کردند.

کلید واژگان: کارکردهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زنان دربار عباسی

*دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: gh.firozjaini@yahoo.com)
**دکتری تخصصی روابط بین الملل، دانشگاه بین المللی خلیج فارس (پردیس اهواز)، خرمشهر، ایران. (ایمیل: nilena_n2ia@yahoo.com)

مقدمه

مطالعه تاریخ ملت‌ها و جوامع در طول ادوار و زمان‌های مختلف، حکایت از ظلم، استثمار و شکنجه زنان دارد و قانون یا اصولی به جز اصول الهی که با نافع‌ترین صورت در رسالت جاویدان اسلامی، به منصفه ظهور رسید، وجود نداشت که کابوس ظلم، ستم و دشمنی را بر علیه زنان کاهش دهد. اما در جامعه عرب قبل از اسلام، برخی زنان دارای جایگاه رفیعی بودند و حتی زنانی ظاهر شدند که در زمینه‌های مختلف از جمله در سیاست، تجارت، شعر، خطابه و تاریخ بسیار سرآمد بودند که به عنوان مثال می‌توان از حضرت خدیجه (س) نام برد که خدمات و اقدامات بسیاری را از جمله مشارکت و همکاری با رسول اکرم چه از نظر مالی و چه از لحاظ فکری و خدماتی در جهت توسعه دایره اسلام انجام دادند، حتی آمده است عایشه مقداری از دارایی‌هایش را به برده آزاد شده خود داد تا برایش تجارت کند (الالبانی، ۱۹۸۸م: ۱، ۲۳) و هم چنین زنوبیا ملکه تدمر که وسعت حکومتش تا آسیای صغیر، بین‌النهرین و مصر گسترش یافت؛ و همین‌طور بسیاری از مردان عرب را به نام مادران‌شان یاد می‌کردند؛ مانند منذرین ماء السما که لقب ماریه عوف است. اما پس از ظهور دین اسلام، زن که هم‌چون یک ابزار و وسیله‌ای ناچیز بوده و مورد سوء استفاده فراوان قرار می‌گرفته است به مقام و جایگاه بلند و رفیعی رسید و محیط اسلام فضا را برای ورود این گروه به اجتماع و سپس به دنبال آن مشارکت‌شان برای ساخت تمدن انسانی باز گذاشت. زن در دوره اموی با وجود تعصب‌های عربی-اموی از حیات سیاسی جامعه دور بود و جز به میزان بسیار ناچیزی، تاثیر و دخالتی در امور اجتماعی و سیاست نداشت. اما باید افزود زنان در تاریخ دولت عباسیان جایگاه عظیم و مهم و گاه هم‌ردیف خلفا داشته‌اند، از زمان مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹ق.) تا متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق.)، زنان خلفاء چه همسران آنها و چه کنیزانشان در تصمیم‌گیری‌های حاکمان نقش داشته و تاثیرگذار بودند، ولی در زمان سفاح (۱۳۲-۱۳۶ق.)، زن در دربار و حکومت نقش موثری نداشت؛ چراکه او تنها در پی همنشینی با مردان عالم و دانشمند بوده است و همراهی با زنان را موجب افزایش جهل و نادانی می‌دانست (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳، ۲۶۳-۲۶۴). اما با تصدی ولایتعهدی مهدی و ازدواجش با خیزران، مشارکت زنان خلفای عباسی در مسائل سیاسی و حکومتی به‌طور واضح آغاز گردید (عمر، ۱۹۷۷، ۸۹). چون قسمت اعظم کتب تاریخی به ذکر حوادث سیاسی پرداخته‌اند بررسی‌شان، جایگاه و نقش زنان در ادوار حکومتی این دولت مجهول مانده است. چنان‌که در این دوره برای زنان تقریباً نقش مساوی و برابر با مرد در زندگی سیاسی و اجتماعی ایجاد شد و برخی از همسران و کنیزان خلفای دربار عباسی توانستند با تاثیرگذاری بر فرزندان خود، وزرا و جمع‌آوری ثروت فراوان بر خلیفه نفوذ کرده و در امور سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی، عمرانی و فرهنگی دربار نقش آفرینی نمایند. خیزران در دوره هارون اداره تمام امور کشور را در دست داشت و وزراء و فرماندهان جز او فرمانروایی نمی‌شناختند (فرخ زاد، ۱۳۷۸: ۱، ۷۹۰). با توجه به مطالب ارایه شده هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه گیری: طرح پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری آن نیز کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی طی سالهای ۱۳۲-۳۳۴ هجری می باشد. نمونه مورد بررسی مهمترین زنان دربار عباسی همچون کنیزان، مادران خلفا، سرایندگان و ... است.

روش اجرا

پژوهش حاضر همچون عمده پژوهش های تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در مرحله گردآوری اطلاعات که از روش کتابخانه ای و با مراجعه به کتاب ها و مدارک علمی انجام شد، هدف آن است که داده های موثق و مرتبط با موضوع مورد مطالعه با در نظر داشتن گفتمان حاکم بر عصر وقوع حوادث بررسی شوند و تا حد امکان داده های جمع آوری شده، پس از تصفیه و طبقه بندی در پرتو موضوع، سوالات پژوهش مورد توصیف و تحلیل قرار گیرند.

یافته ها

نقش سیاسی زنان در دربار و حکومت

منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) در وصیت نامه اش خطاب به پسرش می گوید: «از این که زنان را در کارت دخالت دهی بر حذر باش» (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶، ۱۹؛ طبری، ۱۹۶۷: ۸، ۱۰۴). بنابراین می توان ذکر کرد، در زمان خلافت سفاح و منصور، زنان نقش آن چنان مهمی در امور مملکت نداشتند و از دوره مهدی به بعد، دخالت های آنان در بسیاری از امور مملکت آشکار و آغاز شد چرا که خیزران، برای مداخله در امور حکومت به تدریج بر تصمیم گیری های همسرش تاثیر گذاشت و موجب شد خلیفه، ولایتعهدی را به پسرانش هادی و هارون الرشید تنفیذ نماید و بدین وسیله سیاستی را که دوران اموی بدان معروف بود (در دوره امویان پسران کنیزها اجازه ولایتعهدی نداشتند) را تغییر داد. در همین رابطه ابن اثیر اشاره کرده است: «خیزران کسی بود که کتاب های حکمرانی را خرید و تغییر داد» (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶، ۱۰۶). این گزارش دلالت واضحی بر نفوذ او بر خلیفه و دستوران حکومتی دربار دارد. هم چنین قدرت و نفوذ خیزران به قدری شده بود که بر اعضای دربار نیز نفوذ داشت و واجلیان و حاکمان را به اختیار، عزل و یا نصب می نمود. چنان که روایت شد، یک بار مهدی عباسی بر یحیی بن خالد خشمگین شد و او را زندانی کرده و جریمه سنگینی برایش قرار داد اما خیزران شفاعت کرده و یحیی را به خانه اش بازگرداند (جهشیاری، ۱۳۴۸، ترجمه طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۵۱). وی پیوسته در امور حکومتی دخالت می کرد و می خواست نفوذ خود را در زمان هادی (۱۶۹-۱۷۰ق) نیز حفظ کند ولی سیاست هادی با بلندپروازی های او در تناقض بود. پسرش هادی که از قدرت خیزران خشمگین بود با او درگیر شده و وی را به نوعی خانه نشین نمود. هم چنین وی را از استقبال و پیشواز کاروان های حجاج منع کرد و گفت: «یک دوک نخ ریسی نیست که تو را مشغول کند یا کتابی

که تو را به ذکر مشغول کند؟ پس خانه ای که در آن ایمن باشی برایت کافی است، بنابراین مبادا دهانت را برای مشکل مسلمان و یا غیرمسلمانی بگشایی (طبری، ۱۹۶۷: ۸، ۲۰۵-۲۰۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳، ۳۲۷-۳۲۸). و این چنین رابطه بین هادی و مادرش خیزران تیره و رو به وخامت نهاد و ماجرای که بر تیرگی این روابط افزود می توان به برکناری هارون الرشید از ولایت مهدی و واگذار کردن امور دربار و حکومت به پسرش جعفر بن موسی اشاره نمود. ولیکن زمان زیادی نگذشت تا این که هادی از دنیا رفت. چنان که بر اساس گزارش های مختلف، هادی عباسی با نقشه خیزران و به وسیله خدمتکارانش کشته شد (طبری، ۱۹۶۷: ۸، ۲۰۵-۲۰۶؛ ابن الطقطقی، ۱۴۱۸: ۱۸۹-۱۹۰).

بعد از مرگ هادی، خیزران بر هارون الرشید مسلط شده و او را بر تخت خلافت نشاند و به ایرانیان نزدیک ساخت (هم چون خاندان برامکه). علت این نزدیکی را می توان در کمک ایرانیان به خیزران برای رهایی از دست هادی ذکر کرد. هارون بعد از رسیدن به خلافت، تمامی امتیازات گذشته خیزران هم چون استقبال از کاروان های حجاج را به او بازگرداند و خانه او همانند زمان خلافت مهدی، محل تجمع و رفت و آمد درباریان، وزرا و نظامیان حکومت شد. بنابراین باید گفت وی در واقع نقش مغز متفکر دربار را داشت. حتی باید افزود، خیزران پشتوانه نیرومندی برای یحیی بن خالد برمکی بود. می توان گفت، اوج زندگی خاندان برمکی در دوران این زن بود. هارون نمی توانست عملاً اقدامی علیه برمکیان انجام دهد، چنان که بعد از مرگ خیزران اعتماد خلیفه نسبت به برامکه سست شد (طوقوش، ۱۳۸۷، ترجمه جودکی، ۱۳۸۰: ۹۶). بنابراین از این دوران و نقشی که خیزران در عهد خلیفه مهدی، هادی و هارون الرشید بازی کرد می توان به این نتیجه رسید که آن چه می توان نفوذ کنیزان بر حکومت نامید، از طریق فرزندان شان امکان پذیر شده و این همان اتفاقی است که برای خیزران افتاد. دوران حکمرانی زنان بعد از مرگ خیزران در سال ۱۷۳ هجری با ظهور زن دیگری به نام زبیده دختر منصور ادامه یافت. این زن از مقام و موقعیت اجتماعی خود برای دخالت در امور حکومت سوءاستفاده می کرد و ظاهراً با تاثیرگذاری خود بر هارون الرشید موجب ولایت مهدی پسرش امین بر مامون، کنیز زاده بادغیسی به نام مراجل، شد (یعقوبی، بی تا: ۲، ۴۴۴).

باید افزود که نام زبیده بر روی سکه های هارون الرشید با صیغه دعا این چنین درج شد: بیق الله لأم جعفر و ظاهراً این اتفاق برای اولین بار در تاریخ سکه های اسلامی رخ داد (حسینی، ۱۹۹۰: ۶۶). زنان حکومتی در زمان خلیفه مامون نیز نفوذ خود را در دربار و خلیفه ادامه دادند. چنان که همسر مامون، بوران دختر سهل بن حسن از پیشنهاد خلیفه برای بیان درخواست های خود، استفاده کرد تا در امور حکومت دخالت کند. چنان که از خلیفه خواست ابراهیم بن مهدی را ببخشد و او هم گذشت و هم چنین از مامون اجازه رفتن ام جعفر (زبیده) مادر امین برای سفر به مکه برای برپایی مراسم و مناسک حج را گرفت (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۸، ۴۲۳؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱: ۲، ۲۸۹؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۲، ۷۷).

اما دوران خلافت متوکل، به عنوان شروع دوران نفوذ زنان در دولت عباسی شناخته می شود. چنان که همسرش حبشیه رومی زمام امور و مسند حکومت را در دست گرفت و مهم ترین کارش نیز،

واگذاری ولایتعهدی به پسرش معتز بالله در سال ۲۵۲ هجری بود (ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۳، ۲۲۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۸، ۴۱۷) و پسر خردسالش را بر مسند حکومت نشانده اما به دلیل این که از وجود خلیفه مخلوع یعنی المستعین بالله (۲۴۸-۲۵۲ ق.) بر جان فرزندش بیمناک بود، مسبب قتل او گردید (ابن کثیر، ۱۹۷۸: ۱۱، ۳۷؛ جوادی، ۱۵).

وجود نهادهای اداری و سیاسی کارآمد و توانا در عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ ق.) اقتدار سیاسی-اداری و نظامی آن را به دنبال داشت و نتیجه این که زنان در این عصر به سبب خلفای با کفایت و شرایط قدرتمند سیاسی، به نسبت، فاقد دخالت در زمینه های مختلف حکومتی شدند. اما از ویژگی های عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴ ق.) روی کار آمدن خلفای ضعیف و بی اراده، سلطه و نفوذ ترکان بر دستگاه خلافت عباسی، کنار نهادن تدریجی ایرانیان از دخالت در امور اداری و نظامی و دخالت سپاهیان و سربازان در اداره امور است. این عوامل هم زمان شد با ظهور پدیده قدرتمندی به نام قهرمانه که در این عصر افزایش یافته و در صدد کسب قدرت و جمع آوری ثروت برآمدند (احمدوند، ۱۳۹۲: ۴).

اما یکی از زنان پرنفوذ عصر دوم عباسی، سیده شغب، مادر خلیفه مقتدر بالله (۲۹۵-۳۲۰ ق.) بود که نقش مهمی در اداره امور دولت و حکومت بر عهده داشت و نفوذش تا جایی پیش رفت که قهرمانه خود، ام موسی هاشمیه را به عنوان رقیب وزرای دربار قرار داده و او را بر آنان مسلط ساخت (کحاله، ۱۹۵۹: ۵، ۶۷). چنان چه هرگاه خودش یا قهرمانه اش بر وزیری خشمگین می شدند او را از منصبش عزل می کردند. ذهنی افندی می نویسد: «ام موسی، قهرمانه ای مسلط در هر چیزی از عزل، نصب، رد و قبول بود» (ذهنی افندی، ۱۲۹۴: ۱، ۹۸). فعالیت قهرمانه ها، به آنان فرصت می داد تا در امور دربار اعمال قدرت نمایند و به یکی از راه های مطمئن برای کسب قدرت سیاسی تبدیل شده بودند (ای ال. چک، ۲۰۰۵: ۱۰). همان طور که گفته شد، ام موسی توانست با نفوذی که در دربار پیدا کرد مقام و منصبی برای افراد متقلب بگیرد و در این میان نیز وزیر کاردان و مقتدری چون ابوعلی خاقانی (۳۱۲-۳۱۳ ق.) از ترس خشم قهرمانه ام موسی مخالفت زیادی نمی کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۸، ۶۴ و ۹۸). قدرت و نفوذ سیده شغب در همین حد متوقف نشد بلکه از حد فراتر رفته و قهرمانه دیگر خود به نام ثمل (ثمال) را به عنوان رئیس دیوان مظالم شهر رُصافه منصوب کرد که هر جمعه در ملاء عام حاضر شده و به مشکلات مردم رسیدگی می کرد و قضات و شاهدان را احضار، نامه ها و شکوائیه ها را با خط و امضای خود تایید می کرد (مسعودی، بی تا: ۳۲۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۱۳، ۱۸۱؛ ابن کثیر، ۱۹۷۸: ۱۱، ۱۲۹). اما می توان حضور ثمل در امر قضاوت و به عنوان نخستین قاضی زن مسلمان و هم چنین حضور و دخالت های فراوان این نوع زنان در امور حکومت و سوءاستفاده نا بجا آنان از قدرت خود در امر حکومتی، سیاسی و اقتصادی را از نشانه های ضعف حکومت عباسی و در انتها نیز یکی از عوامل سقوط طولانی ترین حکومت اسلامی دانست. سیده شغب هم چنین با نفوذ زیادی که داشت توانست قهرمانه دیگری به نام زیدان را در دربار به قدرت رسانده و او را به عنوان مسئول زندان انتخاب کرد. چنان که ابن اثیر نیز به خلیفه مقتدر بالله به علت چیره شدن زنان

و خدمتکاران بر او انتقاد کرده و می نویسد: «علی أن المقتدر اهل من احوال الخلافه و حکم فیها النساء و الخدم...» (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۸، ۲۴۳). در نهایت و در پی این جریانات نتیجه گرفته می شود، فساد و ضعفی که بر خلاف دوره اول عباسی بر خلفا و در دربار حاکمان این دوره حکمفرما بود منجر به نفوذ و برتری زن در حکومت عصر دوم شده است.

ثروت زنان و تاثیر آنان بر زندگی اقتصادی

مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی مولود و زائیده عصر عباسی نمی باشد، بلکه در دوران های پیشین، زن در این حوزه نقش قابل ملاحظه ای داشت. از آن جمله حضرت خدیجه (س)، زن تاجری بود که به مردان اجازه می داد با ثروت و دارائیش تجارت کنند و حتی در دوره پیامبر اکرم (ص) از دیگر فعالیت های ایشان در امور اجتماعی اقتصادی، توجه و احترام به زنان و دختران و حضور و فعالیت هایشان در جامعه، بازار و تجارت و مجاز شمردن آنان در خرید و فروش بود؛ چنان که در آیه کریمه هم آمده است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (سوره نساء، آیه ۳۲). «و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه به دست آورده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند بهره ای می باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست».

اما در زمان حکومت عباسی خلفا به باز گذاشتن دست همسران، مادران و کنیزان شان برای مداخله در مسائل حکومتی و تاثیر گذاری بر بعضی از تصمیمات خود اکتفا نکردند بلکه به آنان اجازه زمین داری و مالکیت اموال نیز دادند. چنان که خیزران همسر مهدی عباسی اراضی کشاورزی داشت که در آمد سالیانه اش به شش میلیون و شش هزار درهم می رسید (ابن تغری بردی، بی تا: ۲، ۷۲) و حتی مقبره های بغداد به نام او نامگذاری شده بود (علی، ۱۹۷۶: ۲۴۷). وی از بیشتر املاک و ثروتش در مدینه چشم پوشی کرده و یتیمان را به ازدواج هم در می آورد و بسیاری از فقرا را لباس پوشانده و برای هر کدام از قبیله ها کمک های مالی در نظر می گرفت (ابن کثیر، ۱۹۷۸: ۱۰، ۱۶۱-۱۶۲). حتی وقتی در سال ۱۷۱ هجری به حج رفت و مکانی که رسول اکرم در آنجا متولد شد را خرید و در آن مسجدی بنا کرد و آن را مسجد المیلاد نامید و نیز خانه ارقم را خریده و بعد از آن که مکانی خیریه در آن ساخت آن را دارالخیزران نامید (ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۲، ۳۰۱). خیزران تیول های بسیاری در اطراف بغداد و در مکانی ناشناخته که به الخیزرانیه معروف بود، داشت (اصطخری، ۱۹۲۷: ۲۰۴). وی دستور داد در عراق و نزدیک شهر انبار نهری حفر کرده و آن را المحدود نامیدند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵، ۶۱).

اما در مورد ثروت زبیده همسر هارون الرشید منابع ذکری از آن نکردند اما ظاهراً دارای ثروت بسیاری بود و آن چه بر این امر دلالت دارد، مقدار هزینه هایی است که او در امور اقتصادی مصرف کرده است. چنان چه ذکر شد، زبیده برای مردم مکه آبرسانی کرده و پولی که در این راه هزینه

نمود یک میلیون و هفتصد هزار دینار بود و حتی آثار زیادی از او در مسیر راه های مکه به جا مانده است. از جمله چاه عین المشاش را حفر کرد و سپس کار ساخت آب انبارها و وضوخانه های دور مسجدالحرام را در دست گرفت (مسعودی، ۱۴۰۹: ۴، ۲۲۵-۲۲۶؛ یعقوبی، بی تا: ۲، ۴۳۴) و حتی دارالضیافه ای در بغراس ساخت (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ۱، ۳۶۶). که می توان گفت کار آن پذیرایی از مسافران اعم از جنگجویان، دانشمندان و تاجران بود. چنان که به داود بن رزین مولی عبدالقیس امر کرد که شعری نیز برای هارون در این زمینه بنویسد (ابن خلکان، ۱۹۷۱: ۲، ۳۱۴). زنان ثروتمند و قهرمانه های هارون الرشید نیز این گونه بودند چرا که دارایی های فراوانی از جمله جواهرآلات، دینارها و ثروت هایی بیش از حد خود داشتند (سیوطی، ۱۹۶۳: ۶۱).

در دوران عباسی، زن به شکل غیر مستقیم در فعالیت ها و اقدامات اقتصادی از طریق پرداختن به حرفه ها و مشاغل بسیاری چون ریسندگی، آشپزی و عطاری مشارکت داشته است که از جمله آنان جمع آوری گیاهان دارویی است. از جمله آنان جمره عطار است که افزون بر اشتغال به عطاری، مسئول خزانه جواهرات در عهد خلافت منصور بود و این کارش را تا دوره خلافت محمد امین (۱۹۳-۱۹۸ق) ادامه داد و هم چنین زبیده همسر هارون الرشید در سال ۲۱۶ هجری به تجارت برده مشغول بود و موید این مطلب آن است که وی و کیلی به نام مرزبان مجوسی داشت که برای او با سی هزار درهم از مردان اهالی خراسان خریداری می کرد. (ابن جوزی، ۱۹۷۶: ۱، ۴۶۳-۴۶۷).

نقش فرهنگی زنان دربار

عصر حکومت عباسی، مخصوصاً در قرن چهارم و پنجم هجری به عنوان دوران شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی تلقی می شود که از جمله آن می توان به ساخت اماکنی برای فرهنگ و ادب اشاره نمود. و زنان چه کنیز و چه آزاد به منزلتی دست یافتند که در در حوزه ادبیات، شعر، موسیقی و علوم دینی ظاهر می شدند و این حضور زنان در امور فرهنگی را می توان یکی از عوامل مهم نشاط حرکت علمی و ادبی در دربار خلفا تلقی نمود. در زمینه علوم دینی نیز شماری از زنان پدیدار شدند که از جایگاه علمی چشمگیر و برجسته ای برخوردار بودند، به طوری که از روایان حدیث، فقیه، عارف و صوفی شدند و در این زمینه شایستگی و توانایی خود به مردان را اثبات نمودند. از جمله آن ها رابعه شامیه دختر اسماعیل است؛ وی زنی پارسا و زاهد بود و روایان یادآور شده اند که او در عبادت، زهد، پارسایی و سخنان خود از رابعه عدویه و زینب دختر سلیمان هاشمی پیروی می کرده است (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۷، ۳۲۷؛ عزوز، ۲۰۰۴: ۸۹-۹۰).

فعالیت زن فقط در پارسایی و روایت حدیث محدود نمی شد؛ بلکه زنان در میدان شعر نیز مشارکت داشته اند و اشعاری در موضوعاتی نظیر زهد، مرثیه، مدیحه و کنایه می سرودند و در این عرصه تعدادی از شاعره ها ظهور کردند که اشعارشان در ابتدای امر در چارچوب مرثیه و یا مدیحه سرایی منحصر بود که از جمله آن اشعار، مرثیه سرایی لبانه دختر علی بن مهدی درباره همسرش محمد امین است. هم چنین هنگامی که خلیفه مامون نیز از دنیا رفت، غم و اندوه کنیزش تزئین به خاطر

او بالا گرفت و برای وی بسیار گریست و گفتنی است که او خود را وقف گریه کردن مامون کرد تا این که در سال ۲۱۸ هجری از دنیا رفت (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴: ۶، ۱۱۸) او مرثیه بزرگی سرود که از جمله سروده هایش این است:

یاملکاً لست بناسیه نعی إلی العیش ناعیه
والله لویقبل فیہ الفدا لکننت بالمهجه أفدیه
(سیوطی، ۱۹۶۳: ۳۳؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۱۱، ۳۶).

دختر مهدی ملقب به عباسه نیز شاعر بود (بموت، ۱۹۹۸: ۳۴۶) او در عالم شعر از چنان جایگاهی برخوردار شد که نظیرش وجود نداشت و اشعارش بسیار با معنا و با کلامی روان بود (حلبونی، ۲۰۱۰: ۹۱) به طوری که آن چه که در دلش بود را بر زبان جاری می ساخت. از جمله سروده هایش این است:

أنی کثرت علیه فی زیارته فملّ والشیء مملول إذا کثرا
(بیهم، ۱۹۶۲: ۱۵۳)

عرب المامونیه کنیز مامون نیز شاعری دارای فصاحت و بلاغت نیکو و زیبایی بود و حتی دیوان شعری مجزا برای خود تدوین کرد (حسین، ۲۰۰۵: ۷۴۶) و برای مامون و بعد از او معتصم و سپس متوکل شعر سرود (ابن کثیر، ۱۹۷۸: ۱۱، ۶۰).

شایسته ترین زنان هنرمند، شاریه بصری بود که اسحاق موصلی او را خرید و سپس ابراهیم بن مهدی او را به عنوان کنیز خود خریداری و هفت سال مالکش بود (شایستی، ۱۹۶۶: ۶۵-۷۱). شاریه از زمان مرگ معتصم رئیس گروه هنرمندان شد و تا اواخر خلافت واثق (۲۲۷-۲۳۲ق) به این کار ادامه داد و واثق نیز او را سنی (والا مقام و درخشان) نامید (اطرقجی، ۱۹۸۱: ۴۱۳).
با این همه مهارت شعر سرودن در نزد بسیاری از آن ها وجود داشت. نگاهی به کتاب های تاریخ، ادبیات و اخبار نشان می دهد، تا از هر نوع از کنیزکان فرهیخته ای که در عصر عباسی بودند و حتی گاهی در میان آنان، نویسنده، خطاط و متکلم هم بودند (اصفهانى، ۱۴۱۵: ۲۱، ۹۰).

بحث و نتیجه گیری

از مطالب فوق مشخص شد که نقش زن در دربار عباسی به عنوان یکی از بارزترین وجوه و اشکال اجتماعی موجود به شمار می رود؛ تا جایی که آنان نقش رهبری و پیشگام در تاریخ عباسی به صورت خاص و تاریخ اسلامی به صورت عام داشتند و حتی در رهبری منصب خلافت در کنار خلیفه تا حدی به درجه ای رسیده بودند که وظیفه خلیفه را انجام می دادند و تا آن جایی پیش رفتند که به سرنگونی خلیفه انجامید. همان طور که مشارکت فعالی در رونق حرکت اقتصادی نیز

داشته و آن هم از مسیر مشارکت و همکاری با فرماندهان و وزیران، در بخشیدن اموال به منظور برپایی بیمارستان ها و اوقاف و مرمت راه ها و نیز از پرداختن به بسیاری از فعالیت هایی که در ریسندگی، آشپزی، عطاری و تجارت کالا و برده نمود پیدا می کند. اما از لحاظ فرهنگی، زن این دوره با فرهنگ و معرفتش ارتقا یافت و تصویری که در گذشته بدان شناخته شده بود را دگرگون کرد، آن گاه که در جوانب گوناگون شعر هم چون رثاء غزل و مدح می سراید و فقط به سرودن شعر بسنده نمی کند بلکه در شماری از دانش ها و غیر از این ها نیز بودند که قدرت و توان عقلی و تنوع فعالیت فکری زن را نشان می دهد. زنان در انتشار فرهنگ و هنرهای زیبا، پیشرفت تمدن و آمیختگی میان تمدن های امت های گوناگون مشارکت داشته اند، که نتیجه آن رونق تمدن اسلامی و گسترش جغرافیای فرهنگی حکومت شد.

تعارض منافع: نویسنده تصریح می نماید در این پژوهش تعارض منابع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

سپاسگزاری: نویسنده بر خود لازم می داند از افرادی که در انجام این پژوهش یاری رساندند تشکر و قدردانی به عمل آورد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عز الدین ابی الحسن علی بن ابی کرم. (۱۹۶۵م). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد. (۱۴۱۱ق). *الفتوح*. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالاضواء.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی. (۱۴۱۸ق). *الفخری فی آداب الاسطانیة و الدول الاسلامیه*. بیروت: دارالقلم العربی.
- ابن خلکان، ضیاء الدین ابوالعباس أحمد بن محمد. (۱۹۷۱م). *وفیات الأعیان و أنباء أنباء الزمان*. بیروت: دار صادر.
- ابن عماد حنبلی، شهاب الدین. (۱۴۰۶ق). *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*. تصحیح الارناووط. دمشق - بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن. (بی تا). *نجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*. مصر: وزاره الثقافه و الارشاد القومی. دارالکب.
- ابن جوزی، أبو الفرج جمال الدین عبد الرحمن بن علی بن محمد. (۱۹۹۲م). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*. بیروت: دارالکتب العلمی.
- ابن جوزی، أبو الفرج جمال الدین عبد الرحمن بن علی بن محمد. (۱۹۷۶م). *المصباح المصنیء فی خلافة المستضیء*. تحقیق ناحیه عبدالله ابراهیم. بغداد: مطبعه الأوقاف.
- ابن عبد ربه، اندلسی. (۱۴۰۴ق). *العقد الفرید*. بیروت. دار الکتب العلمیه.

- ابن کثیر، أبو الفداء. (١٩٧٨م). *البدایه والنهایه*. بیروت: دار الفکر.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (١٩٢٦م). *مسالك الممالک*. طبعه لیدن.
- اصفهانی، أبو الفرج علی بن محمد. (١٤١٥ق). *الأغانی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- أطاقجی، واجده. (١٩٨١م). *المرأه فی أدب العصر العباسی*. بغداد: دار الرشید للنشر.
- احمدوند، عباس، امیری، زهرا. (١٣٩٢). *نقش قهرمانه‌ها در عصر دوم عباسی (٢٣٢ - ٣٣٤ق)*. مجله پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ٢(٢)، ١-١٧.
- ألبانی، ناصر الدین محمد (١٩٨٨م). *صحیح سنن النسائی باختصار السنن*. الرياض. مكتبة التریبه لدول الخلیج العربی.
- بیهم، جمیل. (١٩٦٢م). *المرأه فی حضاره العرب*. لبنان: دار النشر للجامعین.
- جواد، مصطفی. (١٩٥٠م). *سيدات البلاط العباسی*. بیروت: دار الکشاف.
- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس. (١٣٤٨ش). *کتاب الوزراء والکتاب*. ترجمه ابو الفضل طباطبایی. (١٣٤٧). تهران: بی نا.
- حافظ ابرو، عبد الله بن لطف الله. (١٣٧٥ش). *جغرافیای حافظ ابرو*. تهران: میراث مکتوب.
- حسین، قصی. (٢٠٠٥م). *موسوعه الحضاره العربیه (العصر العباسی)*. بیروت: دار البحار.
- حسینی، باقر محمد. (١٩٩٠م). *دور بغداد / مدین السلام فی سکت نقودها الإعلامیه والتاریخیه والفنیه فی العصر العباسی*. بحث الندوه التي أقامها مرکز إحياء التراث العلمی العربی بجامعه بغداد بالتعاون مع أمانه بغداد من، ٢٢-٢٤.
- حلبونی، خالد. (٢٠١٠م). *أدب المرأه فی العصر العباسی وملاحمه الفنیه*. مجله جامعه دمشق، ٢٦(٣)-٨٩، ١١١، ٤.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (١٤١٣ق). *تاریخ الاسلام*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتاب العربی.
- ذهنی افندی، محمد. (١٢٩٤ق). *مشاهیر النساء*. بی جا: دار الطباعه العامره.
- زرکلی، خیر الدین. (١٩٨٩م). *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*. بیروت: دار العلم للملایین.
- سیوطی، حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر. (١٩٦٣م). *المستظرف من أخبار الجواری*. تحقیق صلاح الدین المنجد. بیروت: دار الکتاب الجدیده.
- شایشتی، أبو الحسن علی بن محمد. (١٩٦٦م). *الدیارات*. بغداد: مکتبه المثنی.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (١٩٦٧م). *تاریخ الرسل والملوک*. بیروت: دار التراث.
- طقوش، محمد سهیل. (١٣٨٧ش). *دولت عباسیان*. ترجمه حجه الله جودکی. (١٣٨٠). قم: پژوهشگاه حوزه دانشگاه.
- عزوز، بن محمد. (٢٠٠٤م). *بیوتات الحدیث بدمشق*. دمشق: دار الفکر.
- علی، صالح أحمد. (١٩٧٦م). *الاسره العباسیه فی بغداد*. مجله سومر، ٣٠(١-٢)، ٢٧٤-٢٣١.

- عمر، فوزی فاروق. (۱۹۷۷م). *الخلافة العباسية في عصر الفوضى العسكرية*. بغداد: مكتبة المثنى.
 - فرخ زاد، پوران. (۱۳۷۸ش). *دانشنامه زنان فرهنگ ساز ایران و جهان*. تهران: انتشارات زریاب.
 - كحاله، عمر. (۱۹۵۹م). *أعلام النساء في عالمي العرب والإسلام*. دمشق: مؤسسه الرساله.
 - مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. (بی تا). *التنبيه والاشراف*. تصحیح عبداهد اسماعیل الصاوی. قاهره (افست قم: مؤسسه نشر المنابع الثقافه الاسلاميه): دارالصاوی.
 - مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. (۱۴۰۹ق). *مروج الذهب ومعادن الجوهر*. تحقیق اسعد داغر. قم: دارالهجره.
 - یاقوت حموی، شهاب الدین عبدالله. (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.
 - یموت، بشیر. (۱۹۹۸م). *شاعرات العرب فی الجاهلیه والإسلام*. تنقیح و تحقیق و شرح عبد القادر محمد مایو. حلب: دار القلم العربی.
 - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). *تاریخ*. بیروت: دار صادر.
- EL Chick, N. M. (2005). Revisiting the Abbasid Harems. *Journal of Middle East Womens Studis*, 1(3),1-19.

A Study of the Political, Cultural and Economic Roles of the Women of the Abbasid Court

A. Gholami Firoozjaee*

N. Ghasemi**

Abstract

The purpose of this study was to study the political, cultural and economic roles of women in the Abbasi court. The studied population included all political, cultural and economic roles of women in the Abbasi court in the period of 132 to 334 AH. The sample subsumed the most significant roles of women such as the bondwomen, caliphates' mothers, the poetess and so on. The research was designed as descriptive analytical type. To collect data library method was applied by referring to books and scientific documents. The related to the subject and authentic data was analyzed via analytical procedure considering the dominant discourse of the historical incidents era. The results revealed that in Islamic realm specially from the Abbasid era, the societies were divided into different groups and classes; each of them had a relatively important position, including women. The results of preliminary study of the sources also indicated that some of the caliphates' mothers and wives by imposing their influence, political and economic potency in political arena; sometimes by expressing sentiments, female jealousy, extravagance and sometimes by using reason and wisdom exerted changes in destiny of caliphate successor, powerful political dynasties and wars and played roles in political conspiracies. Some Abbasid women also took advantage of their court status and position in the field of development, prosperity and charitable activities, and some of them showed off in the cultural arena by composing rich poems.

Keywords: political, cultural and economic roles, women of the Abbasid court

* PhD in Islamic History, Islamic Religions University, Tehran, Iran.(corresponding author, Email: gh.firozjain@yahoo.com)

** PhD in International Relations, International University of Persian Gulf (Ahvaz Pardis), Khoramshahr, Iran. (Email: nilena_n2ia@yahoo.com)